

Effects of moderation from the perspective of the Qur'an and hadiths

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Morteza Haji Pasha¹
Ebrahim Fallah^{2*}
Seyyed Ahmad Mirian³

How to cite this article

Haji Pasha Morteza, Fallah Ebrahim, Mirian Seyyed Ahmad, Effects of moderation from the perspective of the Qur'an and hadiths, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 7(5): 152-161.

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.
2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran (corresponding author).
3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

* Correspondence:

Email: Fallahabraham@gmail.com

ABSTRACT

The current research under the title "Effects of moderation from the perspective of the Quran and hadiths" has tried to explain the consequences of moderation with the analytical-descriptive method and by referring to the Quran and hadiths. In Quranic and narrative teachings, moderation in belief and behavior is valued and excesses in affairs are condemned. The set of rules and customs of the Islamic religion is such that a balanced person is brought up; Also, one of the most basic intellectual rules and religious concepts in Islam, which has been emphasized a lot by Imams of Athar (AS), is adherence to moderation in all areas of human life. The necessity of discussion of moderation is revealed when, as evidenced by history, groups under different headings have had a significant impact on the mass of people in societies by going beyond the limit of moderation and tending to extremes or exaggerations. From this point of view, it is necessary to introduce its desirable effects to the audience so that people can turn to it with more motivation. The findings of the research show that moderation, from the perspective of the teachings of the Qur'an and hadiths, has effects such as the following. Giving wisdom, staying away from polytheism, staying away from deviance and false tendencies, consistency of character, gaining piety, becoming beloved of God, not needing others, benefiting from God's mercy, a good end, health, economic improvement, freedom from destruction and education.

Keywords: Quran, hadiths, justice, moderation, works.

اعتدال‌گرایی در تمام ساحات زندگی بشر است. مجموعه‌ای از آموزه‌های دینی که در کتاب و سنت درباره اعتدال و پیامدهای آن آمده، نشان می‌دهد اسلام در پی پدید آوردن اجتماعی، عادلانه و متوازن است؛ تعادل و توازن که در همه عرصه‌ها اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، قضایی و... خودنمایی داشته باشد. این مهم در صورتی ممکن می‌شود که اعتدال به طور فراگیر مبنای عمل قرار گیرد. تنها در این صورت می‌توان باور کرد که بر کسی ستمی روا داشته نشود و هر صاحب حقی به حق خویش دست یابد. با این فرض، شرایط اجتماعی برابر، به گونه‌ای فراهم می‌گردد تا هر کس از هر پایه اجتماعی، امکان یابد تا استعدادهای بالقوه خود را به فعلیت رساند؛ یعنی با پرورش و تقویت آن‌ها بتواند با دیگران به رقابت بپردازد و از ظرفیت‌ها و فضای موجود جامعه به طور عادلانه بهره‌مند گردد.

اگر امکانات جامعه در جنبه‌های مختلف آن به گونه‌ای قالب‌بندی شده باشد که نتیجه آن، تولید طبقات اجتماعی و انتقال بی‌ضابطه نقش اجتماعی گذشتگان به آیندگان به شکل موروثی باشد، همچنان فرادستی شماری اندک و فرودستی اکثریت افراد جامعه را در پی خواهد داشت. این امر سبب می‌شود که بخش اندکی از طبقه‌های اجتماعی از هر لحاظ، منابع را به خود اختصاص دهند و همواره از تمامی امکانات برخوردار باشند و در مقابل، اکثریت جامعه با وجود استحقاق و شایستگی، از آن امکانات بی‌بهره یا کم بهره باشند. این مسأله نشان دهنده وجود روابط ناسالم در جامعه و توزیع ناعادلانه امکانات و منابع و زیربنای روابط استکباری و استضعافی است که پیامدهای ویران‌گری در پی خواهد داشت. این موضوع و پیامدهای ناگوار آن، نه تنها از نظر بعد داخلی به ستمکاری و حق‌کشی می‌انجامد، بلکه از جهت بین‌المللی نیز زمینه‌های پدیدآمدن دولت‌های استکباری و استثمار و استعمار و استضعاف ملت‌های ضعیف را فراهم می‌کند. از این رو، برای اینکه جامعه بتواند به کمال واقعی خود در جنبه‌های گوناگون برسد، اسلام، اجرای میانه‌روی و اعتدال را در تمام زمینه‌ها سفارش می‌کند. این اصل که آموزه‌های دینی بر آن تأکید کرده، از سوی خرد و فطرت آدمی نیز مهر تأیید خورده است؛ چرا که سامان‌دهی و استواری جسم و جان آدمی و امور فردی و اجتماعی او، مرهون رعایت همین اصل است. اگر آدمی در همه جوانب زندگی مادی و معنوی تعادل داشته باشد و میانه‌روی مورد توصیه دین مقدس اسلام را عمل کند، موجب آثار و برکات عدیده‌ای می‌شود که در قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) مطمح نظر بوده است. لذا پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از: آثار و کارکردهای اعتدال‌گرایی از منظر قرآن و روایات شامل چه مواردی می‌باشد؟ پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی واژه‌هایی که در قرآن و روایات، نماینده و تداعی‌گر این مفهوم‌اند و نیز مفاهیم مقابل آن، آثار اعتدال‌گرایی را از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به دست آورد.

آثار اعتدال‌گرایی از منظر قرآن و روایات

مرتضی حاجی پاشا^۱

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

ابراهیم فلاح^{۲*}

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول)

سیداحمد میریان^۳

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان «آثار اعتدال‌گرایی از منظر قرآن و روایات» تلاش نموده تا با روش تحلیلی-توصیفی و با مراجعه به قرآن و روایات، پیامدهای اعتدال‌گرایی را تبیین نماید. در آموزه‌های قرآنی و روایی، اعتدال در باور و رفتار، ارزشمند و افراط و تفریط در امور مورد نكوهش قرار گرفته است. مجموعه قوانین و آداب دین اسلام به گونه‌ای است که انسان متعادل تربیت شود و نیز از اساسی‌ترین احکام عقلی و مفاهیم دینی در اسلام، که مورد تأکید فراوان ائمه اطهار (علیهم‌السلام) قرار گرفته، پایبندی به اعتدال‌گرایی در تمام ساحات زندگی بشر است. ضرورت بحث اعتدال زمانی آشکار می‌شود که به گواهی تاریخ، گروه‌هایی تحت عناوین مختلف با خارج شدن از حد اعتدال و گرایش به افراط و یا تفریط، در جوامع تأثیر به‌سزایی بر توده‌ی مردم گذاشته‌اند. از این روی ضروری است اثرات مطلوب آن به مخاطب شناسانده شود تا انسان با انگیزه‌ی بیشتری بدان روی آورد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اعتدال‌گرایی از منظر آموزه‌های قرآن و روایات، آثاری همچون: اعطای حکمت، دوری از شرک، دوری از انحراف و گرایش باطل، قوام شخصیت، کسب تقوا، محبوب خدا شدن، بی‌نیازی از دیگران، بهره‌مندی از رحمت الهی، فرجام نیک، سلامتی، بهسازی اقتصادی، رهایی از هلاکت و تربیت را به دنبال دارد.

واژگان کلیدی: قرآن، روایات، عدل، اعتدال‌گرایی، آثار.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

*نویسنده مسئول: Fallahabrahim@gmail.com

مقدمه

در آموزه‌های اسلام، اعتدال در باور و رفتار، ارزشمند و افراط و تفریط در امور مورد نكوهش قرار گرفته است. مجموعه قوانین و آداب دین اسلام به گونه‌ای است که انسان متعادل تربیت شود و نیز از اساسی‌ترین احکام عقلی و مفاهیم دینی در اسلام، که مورد تأکید فراوان ائمه اطهار (علیهم‌السلام) قرار گرفته، پایبندی به

پیشینه‌شناسی

بر اساس جست‌وجوی به عمل آمده، با عناوین مشابه به مسأله مذکور، پژوهش‌هایی در قالب پایان‌نامه و مجموعه مقالات مجلد، صورت گرفته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. لطیفی (۱۳۸۸) در مقاله «اعتدال و میانه‌روی در آموزه‌های رضوی»، نخست به تفاوت رویکرد فلسفی و دینی اعتدال اشاره می‌کند و پس از آن، اعتدال در مصرف را از نگاه امام رضا (علیه‌السلام) به همراه شاخص‌ها و مصادیق آن بررسی می‌نماید.

احمدپور (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی اعتدال؛ آثار و موانع آن از دیدگاه شهید مطهری» آثار اعتدال را، کمال، سعادت، هماهنگی در رشد ارزش‌ها و پیشرفت علمی و مادی معرفی نموده است. همچنین عبداللهی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه «اعتدال، مولفه‌ها و آثار آن در قرآن و حدیث»، محبوب خدا بودن، اعطای حکمت و دانش، سلامت و تندرستی و امنیت و... را به عنوان اثرات اعتدال معرفی نموده است. زراعت‌پیشه (۱۳۹۷) در پایان‌نامه «اعتدال و میانه‌روی در خانواده از منظر اسلام» به کارکردهای میانه‌روی در خانواده و آثار مثبت اعتدال و پیامدهای منفی عدم اعتدال پرداخته است. هر یک از پژوهش‌های ذکر شده، به جنبه‌ای از ابعاد اعتدال پرداخته یا نگاه کلی به مسأله اعتدال افکنده‌اند، اما پژوهش حاضر، پژوهشی قرآنی - روایی است که تلاش دارد آثار اعتدال‌گرایی را تبیین نماید.

آشنایی با مفاهیم تحقیق

جهت آشنایی با واژگان کاربردی در پژوهش، شایسته است با ارائه معانی لغوی و اصطلاحی آنان، زمینه فهم بهتر مخاطب فراهم گردد. در این بخش آشنایی اجمالی با مفهوم اعتدال صورت می‌گیرد:

اعتدال: لغت‌شناسان در معنای این کلمه، تعاریف مختلفی ارائه داده‌اند. ابن‌منظور در لسان‌العرب می‌گوید: اعتدال مصدر باب افتعال، از ریشه عدل، به معنی حد وسط و رعایت تناسب در امور کمی و کیفی است (۱) گفته شده این واژه به معنای یکسانی شب و روز در دو روز از سال، یعنی اول بهار و اول پاییز و به معنای راست‌قامتی و میانه‌روی و وسط یک شیء یا اشیاء مختلف می‌باشد. (۲) فرهنگ معین، اعتدال را این گونه معنا می‌کند: «راست شدن، میانه حال گشتن، برابر شدن، میانه‌روی و راستی» (۳) اعتدال در فرهنگ اسلامی در معانی اصطلاحی گوناگونی به کار رفته که همه آن‌ها با معنای لغوی تقارب دارد. این واژه در اصطلاح، حد وسط میان افراط و تفریط است (۴) و یا: اعتدال به حالت برابری و عدم انحراف دو لنگه بار به سمت یکدیگر اطلاق می‌شده است. این مفهوم به تدریج در حد میانه و وسط در امور کیفی و معنوی به کار رفته است. (۵) در تعریف دیگری گفته شده اعتدال، حالتی بین دو طرف از لحاظ کمّ یا کیف است و به معنای تناسب، استقامت، قوام پیدا کردن و موزون بودن نیز آمده است (۶). به نظر می‌رسد، با توجه به تعاریف فوق، بتوان اعتدال را این گونه معنا کرد: اعتدال به معنای

رعایت حد وسط و تناسب داشتن در هر کاری است به صورتی که هر چیزی در جای مناسب خود قرار گیرد و حق آن به طور کامل ادا شود.

واژگان هم‌نظیر با اعتدال

کلمه اعتدال در قرآن کریم نیامده؛ ولی مفهوم آن در برخی واژگان نمود داشته که در ادامه این کلمات تبیین می‌گردند:

- **عدل:** عدل در نگاه اهل لغت به معانی مختلفی به کار رفته است: حکم به حق؛ امری که پسند مردم باشد (۷)، امری مستقیم که در نفوس اقامه شده و مقابله جور و ستم است (۱) علامه طباطبایی در معنای این واژه می‌فرماید: عدل، عبارت است از اعتدال و حد وسط بین عالی و دانی و میانه بین دو طرف افراط و تفریط. (۸) برخی نیز معنای عدل را «وضع کل شیء فی موضعه و اعطاء کل ذی حقّ حقّه» (۹)؛ هر چیزی را به جای خود نهادن و دادن حقّ هر ذی حقّی به او دانسته‌اند. طبق آن چه گذشت، عدل در برخی کاربردهای قرآنی، معنایی نزدیک به اعتدال دارد و پرهیز از افراط و تفریط در معنای آن نهادینه شده است.

- **قصد:** برخی آن را به معنای راستی و استواری راه دانسته‌اند: «القصد: استقامه الطریق» (۷) برخی دیگر گفته‌اند: «القصد: العدل» (۱) معنای قصد، استقامت در طریق است. اقتصاد از ریشه قصد و خود بر دو نوع است: یکی محمود علی‌اطلاق؛ که دو طرف آن افراط و تفریط است و دومی بین محمود و مذموم در تردد است. مثل چیزی که بین عدل و جور و قریب و بعید قرار می‌گیرد. (۱۰) همچنین گفته شده: قصد به معنای میانه است، پس اقتصاد به معنای میانه‌روی در امور و پرهیز از افراط و تفریط در امور است، و امت مقتصده امتی است که در امر دین و تسلیم نسبت به دستورات الهی میانه‌رو و معتدل باشد. (۸) و کلمه قصد در هر چیز به معنای حد اعتدال در آن است (۸)

- **سواء:** جوهری در تعریف آن آورده است: «سواء» به ضم و فتح سین به معنای عدل، وسط و غیر آمده است. (۱۱) معنای اصلی آن راست بودن و اعتدال و برابری بین دو شیء است (۱۲) در اصطلاح سواء به معنی، اعتدال، مساوات و برابری است و در قرآن به جاده مستقیم «سواء السبیل» گفته شده بدان جهت که قسمت‌های آن برابر و دو طرف آن مساوی و هموار است و به هر روش معتدل و منظم و خالی از انحراف راه راست گفته می‌شود. (۱۳) در تعاریف دیگر کلمه سواء به معنی مساوات و برابری (۱۴)، مستوی و وسط نیز آمده که با مفهوم اعتدال برابر است (۱۵) در مجموع می‌توان گفت در برخی از آیات قرآن این کلمه مترادف با اعتدال به کار برده شده و معنای آن تساوی و برابری است.

- **الوسط:** فراهیدی در تعریف آن آورده است: وسط؛ جایی از یک چیز را گویند (۷) و اگر «سین» را مفتوح بخوانی (وسط) به معنای مابین دو طرف هر چیز می‌شود. «وسط فلان جماعة من الناس»؛ فلانی در میان جماعتی از مردم قرار گرفت. (همان) علامه طباطبایی

مال (۲) و استفاده مال در غیر جای استحقاق خودش (۲۰) یا استفاده مال در غیر حق و مصارف شرعی (۲۲) معنا کرده‌اند.

آثار اعتدال‌گرایی

دین اسلام در همه امور به اعتدال و میانه روی سفارش می‌کند و در هر کاری و هر خصلتی افراط و تفریط را امری ناپسند می‌شمارد. داشتن روحیه‌ای معتدل و میانه‌روی در امور قابل قبول است و حتی در مسائل اجتماعی و سیاسی هم تندروری و کندروی بازتاب‌های منفی به همراه دارد و گاهی مشکل‌ساز می‌شود. انسان میانه‌رو و معتدل در زندگی فردی و اجتماعی خود آثار سودمند اعتدال را به خوبی مشاهده می‌کند. هنگامی که اعتدال و میانه روی در نفس کسی شکل بگیرد و در شاکله وجودی انسان نهادینه شود در همه امور زندگی این رویه را حفظ خواهد کرد و به افراط و تفریط دچار نمی‌گردد. اعتدال‌گرایی، در زندگی فردی و اجتماعی کارکردها و اثرات مطلوبی را به دنبال دارد که در ادامه این اثرات معرفی می‌گردند:

اعطای حکمت

واژه حکمت بارها در قرآن کریم و روایات به مناسبت‌هایی بیان شده است و با توجه به گستره معنایی که دارد، از آن به عنوان موهبتی الهی یاد شده است که خداوند به پیامبران (علیهم‌السلام) و برخی از انسان‌های نیکوکار داده است. «حکمت» در لغت یعنی دانشی که حق است (۱۰) یکی از آثار مهمی که اعتدال دارد این است که خداوند بعد از رسیدن فرد به رشد و اعتدال، به او حکمت و دانش عطا می‌کند. از جمله در آیات قرآنی اشاره به این مطلب شده است که: خداوند به حضرت موسی (علیه‌السلام)، بعد از رسیدن ایشان به رشد و اعتدال، به او حکمت و دانش عنایت فرمود: «وَلَمَّا بَلَغَ أَلْفَهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (قصص/۱۴)؛ «و چون به رشد و کمال خویش رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم». کلمه «استوی» از «استواء» است، که به معنای اعتدال و استقرار می‌باشد (۸)، چون حضرت موسی (علیه‌السلام) در منزل آسیه در دامن مادرش نشو و ارتقاء نمود و قوای روحانی و جسمانی او به حد استواء و اعتدال رسید، همان طوری که به مادرش وعده داده شده بود که بچه تو را حفظ می‌کنیم و وی را از انبیاء مرسل قرار می‌دهیم، وقتی که به حد سالیگی که گویند انسان در سن سالیگی به منتهی درجه رشد طبیعی و کمال عقل می‌رسد، آن وقت لایق گردید که به وی حکمت و علم افزوده گردد. (۲۳). بنابراین در پی اعتدال موسی (علیه‌السلام)، خداوند به او حکمت و فهم درست از نادرست امور را در مسائل پیچیده و دانایی فهم دانش‌های موجود در امور طبیعی و اجتماعی عطا نمود. البته این عنایت، ویژه و مخصوص حضرت موسی (علیه‌السلام) نبود، بلکه خداوند زمانی که از حضرت یوسف (علیه‌السلام) یاد می‌کند نیز اعطای حکمت به ایشان را به دنبال میانه‌روی آن حضرت ذکر کرده است.

دوری از شرک

کلمه وسط را به معنای امر میانه و به دور از افراط و تفریط دانسته است. (۸) وسط هم به معنای حد متوسط در میان دو چیز آمده، و هم به معنای جالب، زیبا و عالی و شریف، و این هر دو ظاهراً به یک حقیقت باز می‌گردد؛ زیرا معمولاً شرافت و زیبایی در آن است که چیزی از افراط و تفریط دور باشد و در حد اعتدال قرار گیرد. (۱۶) بر اساس تعاریف بیان شده، وسط میانه هر چیز بوده که افراط و تفریط در آن راه ندارد و با اعتدال ترادف معنایی دارد.

واژگان مقابل اعتدال

واژه اعتدال مانند هر کلمه دیگری، واژگان متضادی نیز دارد که با بررسی این واژگان بهتر می‌توان به معنای صحیح اعتدال پی برد: - **افراط**: از جمله واژگانی که در مقابل اعتدال قرار می‌گیرد، افراط است. این واژه در لغت به تجاوز بیشتر (۱۷) و گذشتن از حد معنا شده است. (۲) گفته شده: افراط به معنای تجاوز از حق و خارج شدن از چهار چوب آن است. (۱۴) برخی نیز افراط را از حد اعتدال خارج شدن (۱۸) و برخی دیگر آن را تجاوز از حد (۱۹) معنا کرده‌اند. بر اساس تعاریف ارائه شده افراط به معنای زیاده‌روی و تجاوز بیش از اندازه در امور می‌باشد که در برخی از آیات قرآن در تقابل با اعتدال آمده است.

- **تفریط**: لغت‌شناسان این واژه را در مقابل اعتدال مطرح نموده و گفته‌اند: این واژه در لغت به معنای کوتاهی کردن آمده است. (۱۵) راغب در مفردات می‌گوید: «تفریط این است که در رسیدن به هدف و مقصد در کاری کوتاهی شود.» (۱۰) در اصطلاح کلمه تفریط به معنای اهمال کاری در عملی است که باید فوراً به آن اقدام نمود، تا جایی که وقتش فوت شود. (۸) همچنین تفریط، کوتاهی و سهل انگاری و قصور در عمل و تقصیر و تأخیر در حق معنا شده است. (۱۹) از مجموع تعاریف ارائه شده می‌توان این گونه برداشت کرد که کلمه تفریط افاده کوتاهی و قصور می‌کند.

- **اسراف**: اسراف در لغت، معنی وسیعی دارد که هر گونه تجاوز و تعدی از حد را شامل می‌شود و اهل لغت بر آن تأکید داشته‌اند. از منظر آنان با توجه به اینکه اعتدال به معنای میانه‌روی است، اسراف نقطه مقابل آن به‌شمار می‌رود. (۴) اسراف از ماده «سرف» به معنی تجاوز از حد می‌باشد (۱۰) در اصطلاح اسراف هر گونه تجاوز از حد اعتدال و گرایش به افراط یا تفریط را در بر می‌گیرد (۱۴، ۲۰) از این‌رو برخی با تقسیم این معنای عام، «اسراف» را در خصوص زیاده‌روی و «سرف» را تنها در مفهوم «کوتاهی» به کار برده‌اند. (۲۱) حاصل اینکه اسراف در برخی از کاربردهای قرآنی، معنایی مقابل اعتدال دارد و به معنای خروج از حدود الهی به افراط یا تفریط است.

- **تبدیر**: «تبدیر» از ماده «بذر» در اصل به معنای پراکنده ساختن است، و معمولاً در مواردی که اموال را بدون هدف پراکنده می‌سازند و به اصطلاح ریخت و پاش می‌کنند، که نتیجه‌اش اتلاف و تضييع است، اطلاق می‌شود. (۱۵) در اصطلاح این کلمه را تباه کردن

یکی از آثاری که اعتدال‌گرایی به دنبال دارد، آن است که موجب دوری انسان از شرک می‌گردد. «شرک» در لغت به معنای مشارکت (۱۰) و در اصطلاح، همتا قرار دادن برای خداوند است که ممکن است در صفات، افعال و یا حتی ذات باشد (۲۴) خداوند متعال حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) را به عنوان شخصیتی معتدل و حنیف در آیات مختلفی از قرآن نام می‌برد و دوری او از شرک را پیرو این خصلت ایشان معرفی می‌کند: «قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (آل عمران/۹۵)؛ «بگو: خدای راست گفت. پس، از آیین ابراهیم که حق‌گرا بود و از مشرکان نبود، پیروی کنید.» در این آیه دو صفت برای آن حضرت ذکر شده است: اول: حنیف و معتدل بودن آیین او که از افراط و تفریط محفوظ است، و توجه به این جهت دیگران را تنبّه می‌دهد که: در مرتبه اول- از انواع تند و کندی و روش‌های افراطی و تفریطی در جهات اعتقادات و اخلاقیات و احکام فردی و اجتماعی و دینی، دوری کرده و آیین زندگی خود را معتدل کنند. و در مرتبه دوم- مربوط به خود آن حضرت است که او از هرگونه شرک، خواه در اعتقاد یا در عبادت یا در تأثیر و عمل، پرهیز کرده، و به هیچ عنوانی از غیر خدا اگر چه از انبیاء و مرسلین باشد، پرستش نکند؛ زیرا بزرگ‌ترین مقام شخص نبی مرتبه عبودیت و کمال بندگی و تسلیم بودن او در مقابل عظمت خداوند متعال است. (۱۵)

دوری از انحراف و گرایش باطل

اعتدال و میانه‌روی، همان گونه که از نامش پیداست، به معنای پیمودن و گزینش راه میانه و وسط و عدم تمایل به دو طرف افراط و تفریط می‌باشد. در واقع انسانی را متعادل می‌گویند که در عقیده، انحراف و گرایش به باطل نداشته و در پی حق و حقیقت باشد و یا می‌توان این گونه بیان کرد که ثمره اعتدال در وجود انسان، دوری از هر گونه انحرافی می‌باشد. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «ما كان إبراهيم يهودياً ولا نصرانياً ولكن كان حنيفاً مسلماً وما كان من المشركين» (آل عمران/۶۷)؛ «ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه حق‌گرایی فرمانبردار بود، و از مشرکان نبود.»

در اینجا خداوند ابراهیم (علیه‌السلام) را به عنوان حنیف توصیف نموده و حنیف در پاره‌ای از موارد افاده اعتدال می‌نماید. این آیه نیز گویای همین امر است و مطلبی را که در آیه پیش آمده بود، تفصیل می‌دهد و این عقیده باطل را رد می‌کند که ابراهیم یهودی یا نصرانی بود. همان عقیده‌ای که یهود و نصاری داشتند و می‌گفتند که یهودیت و نصرانیت همان دینی است که ابراهیم به آن دعوت می‌کرد. آن‌ها این سخن را می‌گفتند در حالی که یهودیت و نصرانیت موجود (و نه دین بر حق موسی و عیسی) با آیین یکتاپرستی که ابراهیم منادی آن بود، فاصله بسیاری داشت. یهود و نصاری یک سلسله عقاید باطالی داشتند که آن را به دین خدا نسبت می‌دادند مانند فرزند خدا بودن عزیز و مسیح و تحریف‌هایی که در تورات و انجیل شده بود و نام این دین تحریف شده را یهودیت و نصرانیت گذاشته بودند و

می‌گفتند این همان دین ابراهیم است. قرآن کریم در این آیه به شدت این عقیده را رد می‌کند و تذکر می‌دهد که ابراهیم از این مطالب شرک‌آلود بیزار بود، بلکه او حق‌پرست و پیرو توحید خالص و تابع حنیفیت بود و او منادی اسلام بود که تنها دین خدا برای بشر است (۲۵) او انحرافات اجتماعی رایج در جامعه خود را طرد کرد، و از آن‌ها منحرف و دور شد و سپس متوجه به خدای یگانه شد و او را پرستید، و در نتیجه از فشار جبت و طاغوت رهایی یافت و به هیچ نیروی فکری یا اجتماعی یا سیاسی خاضع نشد.

قوام شخصیت

انسان تنها موجودی است که به اذن خدا، اختیار معماری شخصیت خویش را به دست دارد و می‌تواند ابعاد وجودی و جایگاه خود را در میان سایر موجودات تعیین کند. در این مسیر اگر از حدود اعتدال خارج نشود، می‌تواند شخصیتی قوام یافته برای خود بسازد. به بیانی دیگر دست‌یابی به استقامت و قوام‌یابی در شخصیت و عمل اجتماعی از دیگر آثار و پیامدهای اعتدال‌گرایی بشر در زندگی است. از نظر خداوند، انسان متعادل و میانه‌رو با رعایت تناسب و عدالت است که می‌تواند زندگی خویش را قوام بخشد و به استقامت دست یابد: «وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانْ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (قرآن/۶۷)؛ «و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند.» کلمه قوام- به فتح قاف- به معنای حد وسط و معتدل است (۸، ۲۶) این گروه به واسطه اعتدال قوام در شخصیت دارند؛ به این معنا که نه زیاده‌روی می‌کنند و نه کوتاهی (۲۷، ۲۸) در واقع نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو حد وسط را می‌گیرند.

شکل‌گیری فطرت و طبیعت انسان بر اعتدال و تمایل به میانه‌روی، و زیان‌مندی افراط و تفریط برای آدمی، و نقش بنیادین اندازه‌داری در معیشت که اینها همه شرایط زندگی ظاهری و مادی انسان را با واقعیت سرشت انسانی هماهنگ می‌کند، زندگی انسان‌ها از قوام مادی و معنوی و از همگرایی معیشتی و اخلاقی برخوردار می‌گردد و از هر گونه کوتاهی یا تجاوز بر کنار می‌ماند، چنان که امام علی بن الحسین (علیه‌السلام) در مقام دعا می‌گوید: «وَ قَوْمِنِي بِالْبَدَلِ وَ الْأَقْتِصَادِ» (صحیفه سجاده، دعای ۳۰)؛ مرا با بخشیدن و میانه‌روی کردن در مصرف، بر پای دار. هنگامی که اعتدال و میانه‌روی در نفس و درون کسی شکل بگیرد و در شاکله وجودی او نهادینه شود، در همه امور زندگی این رویه را حفظ خواهد کرد و مبتلای افراط و تفریط نمی‌گردد. در حقیقت اعتدال و میانه‌روی موجب قوام در شخصیت وجودی انسان، و تجاوز از حد و مرز آن، حسرت و سرزنش را در پی خواهد داشت.

کسب تقوا

از منظر قرآن و روایات از دیگر آثاری که اعتدال‌گرایی به دنبال دارد، نزدیک شدن انسان به صفت تقوا است. خداوند متعال در قرآن

انسان کمک می‌کند تا بتواند از سایر انسان‌ها بی‌نیاز گردد، رعایت اعتدال در زندگی است. کسی که در زندگی میانه‌روی پیشه کند و از اسراف و تبذیر بپرهیزد، هیچ‌گاه نیازمند دیگران نمی‌شود. در روایات بسیاری به این موضوع اشاره شده است. امام صادق (علیه‌السلام) فرموده است: «ضَمِنْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ» (۳۲)؛ «من برای کسی که میانه روی کند، ضمانت می‌کنم که فقیر نشود.» میانه‌روی، کفاف زندگی را تأمین کرده و هزینه امور را بیمه می‌کند. و موجب فقر و فلاکت هم نمی‌شود، در غیر این صورت نخست برای انسان فقر مادی و نیازمندی مالی پدید می‌آید و سپس انسان به فقر معنوی که تهی شدن از ارزش دینی و درونی است؛ دچار می‌گردد. امام کاظم (علیه‌السلام) نیز فرموده‌اند: «هیچ انسانی با میانه‌روی نیازمند نمی‌شود.» (۳۳)

دلیل این بی‌نیازی آن است که با اعتدال و اندازه‌گیری در زندگی، فعالیت‌های اقتصادی مانند مصرف، تولید، و هزینه‌های زندگی سامان می‌یابد و از اسراف جلوگیری می‌شود. انسان در همه مراحل زندگی نیازهایی واقعی و اصیلی دارد که باید به طور صحیح و منطقی به آن‌ها پاسخی در خور و منطقی بدهد و این نیاز در همه انسان‌ها حتی انبیا و اولیا و در همه مراحل زندگی با شدت و ضعفش وجود دارد. هر چند نوع نیازهای انسان در هر مرحله از عمر و زندگی متفاوت است، ولی اصل نیاز در همه ادوار پا بر جا و باقی است. این نیازها طیف وسیعی از احتیاجات مادی و معنوی و عاطفی و روانی را در بر می‌گیرد و ایجاد تعادل و توازن میان آن‌ها و برآوردن خارج از حد افراط و تفریط برآیند دستورات و احکام و سفارشات دین و مورد توصیه اولیای آن است.

بهره‌مندی از رحمت الهی

رحمت الهی یکی از مهم‌ترین مسائل حیات آدمی است؛ چرا که آفرینش مرهون رحمت الهی است و تمامی آفریده‌های خدا مشمول لطف و عنایت حق تعالی هستند، خاصه انسان که دارای کرامت ویژه و آئینه تمام‌نمای حق می‌باشد و رحمت الهی را درباره‌ی او نهایی نیست. از منظر قرآن اعتدال امت اسلامی و قرار دادن آیین آنان، دور از افراط و تفریط، پرتوی از رحمت خداوند می‌باشد: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا. إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُفٌ رَحِيمٌ» (بقره/۱۴۳)؛ «و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم... زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است.» گفته شده: جمله آخر، تعلیل جمله قبلی است؛ به این معنا که به دلیل امت میانه بودن آن‌ها خداوند نسبت به این گروه، اهل رأفت و رحمت است. «رأفة» بر وزن «رحمة» است و هر دو یک معنی دارند، پس مانند هم هستند و از ناحیه لفظ و معنی، رأفت در اینجا رحمت شدید یا رحمت لطیف و رقیق است، یا اثری است که از رحمت ظاهر است (۳۴) پس انسان و یا جامعه اعتدال‌گرایی که مردمش ظلم نمی‌کنند، دروغ نمی‌گویند، به وعده‌هاشان وفا می‌کنند، به طور قطع مورد لطف و رحمت پروردگار و نعمت‌های بی‌کرانش قرار خواهند گرفت. با اعتدال است که رحمت‌های الهی سرزمین‌ها را به وفور

می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَحْرَمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (مائده/۸)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است.»

در تفسیر گفته شده: آیه بیانگر نزدیکی عدل به تقوا است (۲۹) و خداوند جمله «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ» را تفریع کرد بر شهادت دادن به قسط، و در این جمله که نتیجه شهادت بر قسط است مؤمنین را به عدالت امر کرد، و این عدالت را وسیله‌ای برای حصول تقوا شمرده (۸) در تفسیری دیگر گفته شده خداوند در این آیه، دلیل سفارش کردن به عدالت را بیان کرده؛ یعنی عدالت به تقوا نزدیک‌تر است؛ زیرا رعایت آن موجب دقت در تقواست (۱۴) اعتدال از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نیازهای جوامع انسانی است؛ چرا که عدل‌ورزی تقواآفرین بوده و مایه پایداری و استواری آن‌ها است. اگر در جامعه‌ای عدالت رخ بنماید و تلاش برای به سامان آوردن زندگی مسلمانان به عنوان وظیفه‌ای عمومی و اجتماعی جایگاه خود را پیدا کند و استضعاف‌گرایی و استکبارستیزی و بخشیدن حق به صاحبان آن از باب تکلیف و وظیفه دینی فرهنگ شود، بی‌گمان تقوا و خویشن‌بانی هم آسان‌تر به وجود می‌آید.

محبوب خدا شدن

خداوند اعلی همه آفریده‌های خویش را دوست دارد، لکن در قرآن کریم از محبتش به عده‌ای خاص تصریح فرموده است. در برخی آیات قرآن، چهره مؤمنانی به تصویر کشیده که خداوند آنان را محبوب خود دانسته است. از جمله این گروه، برپاکنندگان عدل می‌باشند. در قرآن آمده است: «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات/۹)؛ «میان آن‌ها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید، که خدا دادگران را دوست می‌دارد.» «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»، تعلیلی است که مفید تأکید می‌باشد؛ یعنی البته، خدای تعالی عدالت‌پیشه‌گان را به جهت عدالتشان دوست می‌دارد. (۸) به بیانی دیگر خداوند می‌گوید که اهل انصاف و عدل را دوست دارد؛ کسانی که در حق مردم عدالت می‌کنند و به آن‌ها حق می‌دهند. (۳۰) پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز درباره محبوبیت اعتدال در نزد خداوند می‌فرماید: «مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ نَفَقَةٍ قَصِدٍ» (۳۱)؛ «هیچ خرجی نزد خدا، محبوب‌تر از خرجی نیست که با میانه‌روی همراه باشد.» بر اساس سخن آن حضرت اعتدال در مصرف، موجب خشنودی خداوند است، چراکه استفاده مطلوب از نعمت‌های او در مسیر رسیدن به هدف نهایی و قرب به حق، تنها در پرتو رعایت این اصل، شدنی است.

بی‌نیازی از دیگران

انسان نیازهایی دارد که با توجه به امکانات موجود به رفع آن‌ها می‌پردازد و برای رسیدن به مقصود خود، در سایه فکر و تدبیر، روش‌های متعددی را به کار می‌گیرد. یکی از راهکارهایی که به

در بر می‌گیرد، چنان که از قول امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) وارد شده است: «مَنْ عَدَلَ فِي الْبِلَادِ نَشَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ» (۳۵)؛ «آن که در شهرها عدالت پیشه سازد، خداوند رحمتش را بر او ارزانی دارد.» در آموزه امام چون به عدالت عمل شود، رحمت الهی در لباس ریش نعمت، جهش برکت، گسترش امنیت و زایش رفاهت جلوه می‌یابد و زندگی مردمان به سامان درست می‌رسد و همه چیز در مجرای خودش قرار می‌گیرد. (۳۶) با توجه به آیات و روایات ارائه شده، روشن می‌شود که هر انسان مسلمانی باید دارای ویژگی اعتدال باشد و در امورات زندگی خود، رفتار عادلانه‌ای را در پیش گیرد، تا جامعه از آثار و برکات ارزشمند آن بهره‌مند شود و به جای ستم، کینه، حسد، انتقام و... بذر دوستی، صداقت، اعتماد و اطمینان در قلب‌ها پاشیده شده، بارور گردد و تمامی افراد جامعه از این طریق، در سایه رحمت الهی قرار گرفته، از آن چشمه فیاض سیراب شوند.

فرجام نیک

نگاهی به تاریخ اسلام خصوصاً و تاریخ انسان‌ها عموماً از ابتدای خلقت تا زمان حاضر شخصیت‌هایی را می‌توان یافت که در دو راهی‌ها، راه درست یا غلط را انتخاب کرده در نتیجه یا به سعادت ابدی و یا عقوبت ابدی مبتلا شده‌اند. از منظر قرآن رعایت اعتدال، در پی‌دارنده فرجام نیک، برای افراد و جوامع خواهد بود: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُنْتُمْ وَرَنَاءَ بِالنِّقَاطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (اسراء/۳۵)؛ «و چون پیمان‌ها را تمام دهید، و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش فرجام‌تر است.» از احکامی که انتظام معیشت مسلمانان بر آن دور می‌زند وفا در داد و ستد است. باید عدل و توازن در عوض و معوض رعایت شود و به طور کلی در معاملات و قراردادهای تعادل منظور گردد و هر چه دو طرف معامله به آن اقدام نموده انجام یابد و ضرر و زیانی متوجه به هر یک از دو طرف معامله نشود. کلمه «فسطاس» (به کسر قاف و هم به ضم آن) به معنای ترازو و میزان است، و «قسطاس مستقیم» به معنای ترازوی عدل است که هرگز در وزن خیانت نمی‌کند. (۸) «ذَلِكَ خَيْرٌ»، این وفای کبیل و وزن سوی بهتر است برای شما در دنیا؛ زیرا امانتی است که موجب شود رغبت در معامله را. «وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» و نیکو است از جهت عاقبت و سرانجام سعادت. حاصل آن که خیر دنیا و آخرت در عدل است به مکیال و میزان. (۳۷) مفسران «أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» را در آیات یاد شده به «أَحْسَنُ عَاقِبَةً» یا «أَحْسَنُ جَزَاءً» تفسیر کرده‌اند؛ یعنی این افعال در نظام الهی در مسیری قرار دارند که به فرجامی نیکو می‌انجامند. (۱۴، ۲۱) روشن است که بر اساس این آیه هر گونه خیانت و تقلب در امر معاملات پایه‌های اطمینان و اعتماد عمومی را که بزرگ‌ترین پشتوانه اقتصادی ملت‌ها است، متزلزل و ویران می‌سازد و ضایعات غیر قابل جبرانی برای جامعه به بار می‌آورد، و در مقابل رعایت اعتدال و پرهیز از هر گونه کم‌فروشی و رعایت همه جوانب انصاف در معامله، منجر به دست یافتن به عاقبت خیری خواهد شد.

سلامتی

از جمله آثار اعتدال‌گرایی به بیان قرآن و روایات، سلامتی انسان است. مفهوم سلامتی از روشن‌ترین مفاهیم به حساب می‌آید. تردیدی نیست که سلامت بدن در گرو تعادل قوای جسمانی است. بدیهی است خوردن و آشامیدن برای حفظ حیات و سلامت انسان امری ضروری است، اما اسراف در آن حتی برای سلامت بدن نیز مضر است. از جمله مواردی که انسان‌ها باید اعتدال را در آن رعایت کنند، بحث خوردن و آشامیدن است. همان گونه که قرآن می‌فرماید: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف/۳۱)؛ «بخورید و بیاشامید ولی زیاده‌روی نکنید که خدا اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد.» آیه نهی تحریمی و بیان حکم فطرت است که در باره صرف مواد غذایی و آشامیدنی حد اعتدال و میانه‌روی را باید رعایت کرد و از افراط و اسراف خودداری نمود؛ زیرا زیاده‌روی در صرف غذا سلامت و انتظام مزاج را تهدید می‌نماید و اکثر بیماری‌ها به خصوص امراض گوارشی در اثر اسراف و زیاده‌روی در صرف غذا است؛ چه به لحاظ چگونگی و یا مقدار آن باشد. (۳۸) «بر کسی پوشیده نیست که اعتدال و میانه‌روی در خوردن، صحت و سلامتی را به ارمغان می‌آورد.» (۱۶) این تأکیدات قرآن نیز بیانگر این مطلب است که انسان باید در خوردن و آشامیدن اعتدال را رعایت کند و خداوند با ارائه این مطلب هدفی را دنبال نموده و آن حفظ سلامتی بشر است. بی‌تردید، سرچشمه بسیاری از بیماری‌ها، زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن است، چرا که غذاهای اضافی که به صورت جذب نشده در بدن باقی می‌ماند، هم بار سنگینی است برای قلب و سایر دستگاه‌های بدن، و هم محل آماده‌ای برای انواع عفونت‌ها و بیماری‌ها می‌باشد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَنْ أَرَادَ السَّلَامَةَ فَعَلَيْهِ بِالْقَصْدِ» (۳۹)؛ هر کس سلامتی می‌خواهد، پس باید میانه‌رو باشد. بر اساس فرمایش امام، سلامت فکری، روحی و روانی، سلامت سیاسی و اجتماعی، سلامت مادی و اقتصادی همه در پرتو اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط است. در منطق دین اسلام، راه سلامت فرد و جامعه از اعتدال و میانه‌روی می‌گذرد و از مهم‌ترین نشانه‌های زندگی سالم و رو به کمال، زندگی مبتنی بر اعتدال و میانه‌روی است و آن جا که افراط و تفریط حکومت می‌کند، زندگی، ناسالم و رو به نابودی است.

بهبودی اقتصادی

دستیابی به اقتصاد سالم، در گرو میانه‌روی و اعتدال است؛ چرا که اقتصاد به معنای پاسخی مناسب و شایسته به خواسته‌های طبیعی بشر در دنیاست، بی آن که زیاده‌روی صورت گیرد و یا حق تن و بدن ادا نشود و قوای انسانی در بیماری قرار گیرد. بر اساس آموزه‌های دینی و بر پایه حکم عقل و تجربه، میانه‌روی در مصرف، تأثیر بسزایی در ساماندهی امور اقتصادی و کاهش هزینه‌ها و در نتیجه پیشگیری از فقر و عقب‌ماندگی فرد و جامعه دارد. از نظر قرآن، رفتار اقتصادی می‌بایست معتدل و مبتنی بر قوامیت اقتصادی برای جامعه (نساء / ۵)

گروه اعتدال‌گرایان از هلاکت‌رهای پیدا می‌کنند: «قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ * لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ * مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ» (ذاریات/۳۲-۳۴): «گفتند: ما به سوی مردمی پلیدکار فرستاده شده‌ایم، تا سنگ‌هایی از گِل رُس بر [سر] آنان فرو فرستیم. [که] نزد پروردگارت برای مُسرفان نشان‌گذاری شده است.» «هر یک از آن سنگ‌ها مرقومند به اسم آن کسی که هلاک شود به آن، یا آن که نشانه‌اند به آن که از سنگ‌های عذابند، یا آن‌ها از حجاره دنیا نیست» (۳۷) و برای اهلاک جمعی معهود که از حد در گذشتگانند (۴۲) و از اعتدال خارج شده‌اند. پس خروج از اعتدال مقارن با هلاکت و پایبندی به آن سبب‌رهای از هلاکت خواهد بود. اگر انسان می‌خواهد از هلاکت نجات یابد، باید از اسراف پرهیز و در مسیر اعتدال قرار گیرد؛ چرا که میانه‌روی انسان را از هلاکت باز می‌دارد. همان‌گونه که امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «لَنْ يَهْلِكَ مَنْ اِقْتَصَدَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۶۸): «کسی که میانه‌روی کند، هلاک نمی‌شود.» یا: «لَا هَلَاكَ مَعَ اِقْتِصَادٍ» (همان): «با میانه‌روی کسی هلاک نمی‌شود.» دور بودن از هلاکت، باعث رستگاری انسان می‌شود و این میسر نیست مگر این که فرد، در مسیر عبودیت و خداپرستی و در راه میانه‌روی و اعتدال باشد. لازم به ذکر است مال در صورتی عامل بقا و قوام و سامان‌یابی فرد و جامعه است که در حد میانه باشد نه در حالت افراط و تفریط که در آن صورت تباهی و هلاکت فرد و جامعه را به دنبال خواهد داشت.

تربیت

هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد میانه فراتر نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد. آیین تربیتی اسلام، اعتدال در هر امری را توصیه می‌کند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است که مردمانی متعادل تربیت شوند. در حقیقت جهت‌گیری تربیت اسلامی این گونه است که انسانی معتدل در همه وجوه تربیت کند. همان گونه که لقمان به فرزند خود چنین سفارش میکند: «وَ اَقْصِدْ فِي مَسْيِكِ» (لقمان/۱۹). برخی اندیشمندان «مشی» را به معنای راه رفتن گرفته و گفته‌اند: یعنی در راه رفتن خود میانه‌رو باش (۴۳، ۴۴) لکن برخی دیگر مفهوم آیه را عام گرفته و «مشی» را به معنای روش و رفتار دانسته‌اند. بنابراین آیه شریفه به طور عموم به اعتدال در روش و رفتار دعوت می‌کند (۴۵، ۴۶) از منظر اسلام راه و رسم اعتدال، کوتاه‌ترین و استوارترین راه تربیت است، راهی که کتاب خدا و آیین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر آن بنا شده است. امام علی (علیه‌السلام) در این باره فرموده است: «الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مُضِلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ عَلَيْهَا باقى الكتاب و آثار النبوة و منها مَنفَذُ السَّنة و إليها مصير العاقبة» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶): «انحراف به راست و چپ گمراهی است و راه مستقیم و میانه جاده وسیع حق است کتاب خدا و آیین رسول همین را توصیه می‌کند، و سنت پیامبر نیز به همین راه اشاره می‌کند و سرانجام همین جاده ترازوی کردار همگان است و راه همه بدان منتهی می‌شود.» بر اساس روایت امام

و به دور از هرگونه افراطی چون تبذیر و ریخت و پاش و اسراف، یا تقصیر، بخل، خساست و مانند آن باشد. (فرقان/۶۳، ۶۷، ۷۵؛ بقره/۲۱۹؛ اسراء/۲۹) همچنین آموزه‌های اسلامی بر عدالت و اعتدال در تولید ثروت، توزیع و مصرف آن تأکید دارد به گونه‌ای که به محیط زیست آدمی و نیز منابع، ضرر و زیان و فساد نرسد. پس در مصرف لازم است به گونه‌ای رفتار کرد که منابع و نعمت‌های الهی تباہ نشود. (اسراء/۲۹؛ مائده/۸۷) رعایت این موارد اقتصاد جامعه را از سقوط و نابودی می‌رهاند و آن را به وضعیت مطلوبی می‌رساند. اگر اعتدال در جامعه برقرار باشد از نظر اقتصادی هرگز جامعه به دو طبقه‌ی سیر و گرسنه تقسیم نمی‌شود و هر کس به اندازه‌ی نیازش درآمد خواهد داشت. در واقع اعتدال فقر و احتیاج، اختلاف شدید طبقاتی و تبعیض را از بین می‌برد و مردم به لحاظ معیشتی وضعیت مطلوبی می‌یابند. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵): «به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند» این زید و جبائی و مقاتل بن سلیمان گویند؛ یعنی با ایشان از آسمان ترازویی را نازل کردیم که دارای دو کفه است و با آن سنجیده می‌شود و بعضی گویند: یعنی صفت میزان را نازل کردیم. (لیقوم الناس) تا آن که مردم در معاملاتشان قیام (بالقسط) کنند؛ یعنی به عدل داد و ستد کنند (۱۴). این آیه زینت‌بخش قانون اساسی جمهوری اسلامی شده است و به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی (بند ۹ از اصل ۳) تأکید شده است (۴۰). از جمله یکسان بودن زن و مرد از لحاظ قانونی (اصل ۲۰) و ایجاد شرایط مساوی کار و اشتغال (اصل ۲۷) که این‌ها باعث توسعه اقتصاد خواهد شد (همان). یعنی هر گاه قیام به قسط صورت گیرد و جوامع بشری در تولید و توزیع و مصرف به حق و عدالت عمل کنند، ریشه فقر و گرسنگی از آن جامعه کنده خواهد شد و اقتصادی پویا در آن جامعه خواهیم دید. (۴۱) میانه‌روی در امور اقتصادی، هزینه‌ها و مصرف‌های اضافی را از زندگی بیرون می‌برد و زمینه بهره‌گیری درست از امکانات اقتصادی را فراهم می‌سازد؛ از این رو بهترین یاری‌کننده برای خوب زندگی کردن است. امام علی (علیه‌السلام) فرموده است: «حُذِيَ الْقَصْدُ فِي الْأُمُورِ، فَمَنْ أَحَدَّ الْقَصْدَ حَقَّتْ عَلَيْهِ الْمُؤُونُ» (۳۹): «در کارها میانه‌روی پیشه کن که هر کس میانه‌روی پیشه کند، هزینه‌ها بر او سبک گردد.» پس صلاح انسان و خوشبختی اقتصادی اجتماع وابسته به رعایت اعتدال و میانه‌روی اقتصادی در مالکیت و مصرف است، و فساد فرد و تباہ اجتماع در ترک اعتدال و میانه‌روی، و تجاوز از آن است.

رهای از هلاکت

از منظر قرآن و روایات آنان که روش و مسلکشان میانه‌روی و اعتدال در تمامی امور زندگی است؛ از هلاکت و نابودی در امان خواهند بود. گواه این سخن آن جاست که خداوند متعال در آیات قرآن فرموده که مسرفان را هلاک خواهیم کرد. پس در مقابل این

میان‌روی و پرهیز از افراط و تفریط از مسائل مهم و اساسی در تربیت مردمان یک جامعه است تا جایی که در اندیشه آن حضرت، جاده حق و مسیر هدایت بر آن استوار است و کتاب الهی و سنت نبوی بدان توصیه کرده‌اند. (۳۶) گفتنی است آنچه در تربیت اسلامی مدنظر قرار می‌گیرد، شامل تمام نیازها و خواسته‌های وجودی انسان است و این جامعیت مستلزم رعایت اعتدال در میان نیازهای مزبور و پرهیز از افراط و تفریط در مواجهه با آن‌هاست؛ آفرینش انسان به گونه‌ای است که هرگونه بیرون شدن از مرزهای اعتدال به او آسیب می‌رساند و از نظر تربیتی دچار توقف یا گستاخی می‌سازد. به بیان امیرالمؤمنان (علیه السلام): «فَكُلُّ تَقْصِيرٍ بِهٖ مُضِرٌّ وَ كُلُّ افْرَاطٍ لَهُ مُفْسِدٌ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۸)؛ «هر کمبود آن را زیان است و هر زیادی آن را تباهی است.» بنابراین باید در همه وجوه فردی و اجتماعی راه اعتدال را سامان داد تا بتوان مردمان را به سوی اخلاق و رفتاری نیک و درست سیر داد.

نتیجه‌گیری

یکی از موضوعاتی که در زندگی فردی، اجتماعی و مادی و معنوی انسان تاثیر بسزایی دارد، اعتدال و میان‌روی است. دین اسلام دین میان‌روی است و همه را به رعایت اعتدال در همه زمینه‌ها دعوت کرده است. رهبران این دین نیز هر کدام به مقتضای زمان و مطابق با درک و فهم افراد آن زمان، رعایت آن را گوشزد نموده و خود عامل به آن بوده‌اند. بررسی آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) نشان می‌دهد که رعایت اعتدال، ثمرات متعددی از خود بر

جای می‌گذارد. از منظر آن‌ها، مزین شدن به روحیه اعتدال، موجب دریافت حکمت از جانب خداوند خواهد شد. همچنین اگر کسی اعتدال را رعایت کند، از شرک دوری گزیده و از هرگونه انحراف در امان خواهد بود. همچنین اعتدال‌گرایان دارای ثبات و قوام شخصیت خواهند شد. انسان‌های اعتدال‌گرا به دلیل رعایت اعتدال و پرهیز از هرگونه افراط و تفریطی می‌توانند موفق به کسب تقوا شوند. آیات الهی گواهی می‌دهند این افراد به جایگاهی می‌رسند که محبوب خداوند واقع می‌شوند. از آن جا که اعتدال در امور اقتصادی نیز اثرگذار می‌باشد، انسان‌ها می‌توانند با رعایت اعتدال و روحیه قناعت‌ورزی از دیگر انسان‌ها بی‌نیاز شوند. در آیات قرآن، سخن از رحمت الهی به میان آمده که گاهی به صورت عام و گاهی به صورت خاص شامل انسان‌ها می‌شود. اعتدال‌گرایان به واسطه رعایت میان‌روی در امور زندگی، از رحمت الهی مستفیض می‌شوند. آن‌ها به رستگاری رسیده و فرجامی نیک در پیش خواهند داشتند. از آن جایی که رعایت در خوراک نیز مورد توجه اسلام قرار گرفته، ضمانت الهی بر آن است که انسان‌ها با رعایت اعتدال از سلامتی جسمانی برخوردار می‌گردند. قرآن و روایات با ارائه راهکارهای اقتصادی نظیر انفاق، صدقه و... دستورالعملی تعدیل‌گرایانه در جهت بهسازی اقتصادی و کاهش تفاوت طبقاتی در جامعه معرفی نموده‌اند. خداوند متعال و امامان معصوم (علیهم السلام) خاطر نشان کرده‌اند که انسان‌ها به واسطه اعتدال از هلاکت‌هایی یافته و مزین شدن آنان به تربیت الهی از دیگر ثمرات اعتدال‌گرایی بوده است.

References

Holy Quran

Nahj al-Balagha

Sahifa Sajjadih

1. Ibn Manzur, M. Lisan al-Arab. Beirut: Dar Sader; 1995.
2. Tarighi, F. Majma al-Bahrain. Tehran: Maktab-e Nashr-e Thaqafiyah; 1997.
3. Mo'in, M. Farhang-e Farsi Mo'in. Amir Kabir: n.p.; n.d.
4. Jurjani, A. Al-Tarif. Beirut: Dar al-Kitab al-Lubnani; 1990.
5. Husseini Zabidi, M. Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus. Beirut: Dar al-Fikr; 1993.
6. Hashemi Rafsanjani, A. Tafsir-e Rahnama. Qom: Bustan-e Kitab; 2007.
7. Farahidi, K. Al-Ain. Qom: Hijrat; 2nd ed.
8. Tabatabai, SM. Al-Mizan fi Tafsir al-Quran. Qom: Dafater-e Entesharat-e Eslami Jame'e Modarresin-e Howzeh Elmiyeh; 1998.
9. Khorrazi, SM. Badayah al-Ma'arif al-Ilahiyyah fi Sharh Aqa'id al-Imamiyyah. Qom: Mo'asseseh Nashr-e Eslami; 2005.
10. Raghhib Isfahani, AQ. Mufradat Alfaz al-Quran. Beirut: Dar al-Ma'rifah; 2007.
11. Javaheri, I. Al-Sahah: Taj al-Lughah wa Sahah al-Arabiyyah. Beirut: Dar al-Ilm li al-Malain; 1997.
12. Ibn Faris, A. Mu'jam Maqayis al-Lughah. Ed. AS Harun. Qom: Maktab al-I'lami; n.d.
13. Imami, MJ. Loghat dar Tafsir-e Namunah. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib (AS); 2008.
14. Tabarsi, F. Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran. 3rd ed. Tehran: Entesharat-e Naser Khosrow; 1993.

15. Mustafavi, H. Tafsir-e Roshan. Tehran: Nashr-e Ketab; 2001.
16. Makarem Shirazi, N. Dairat al-Ma'arif-e Fiqh-e Muqaran. Qom: Madreseh Imam Ali ibn Abi Talib (AS); 2006.
17. Gharashi, AA. Qamus al-Quran. 6th ed. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah; 1992.
18. Malekian Isfahani, R. Elm-e Mafahim-e Shenasi dar Quran. Isfahan: Markaz-e Tahqiqat-e Rayaneh-e Ghaimiyeh; 2021.
19. Fayd al-Islam Isfahani, AN. Tarjomeh va Sharh-e Nahj al-Balagha (Fayd al-Islam). 5th ed. Tehran: Mo'asseseh Chap va Nashr-e Tali'fat-e Fayd al-Islam; 2000.
20. Aloosi, SD. Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab'a al-Mathani. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah; 1994.
21. Tabari, M. Jami al-Bayan fi Tafsir al-Quran. Beirut: Dar al-Ma'rifah; 1992.
22. Tayyeb, SA. Atiyyab al-Bayan fi Tafsir al-Quran. Tehran: Entesharat-e Eslam; 1999.
23. Amin, SN. Makhzan al-'Irfan dar Tafsir-e Quran. Tehran: Nahid-e Zanan-e Mosalman; 1982.
24. Javadi Amoli A. Towhid dar Quran. Qom: Esra; 2004.
25. Jafari Y. Tafsir Kowsar. N.p.: n.p.; n.d.
26. Jazairi AJ. Aysar al-Tafasir li-Kalam al-Ali al-Kabir. Medina: Maktabat al-ulum wa al-hikam; 1996.
27. Sabooni MA. Safwat al-Tafasir. N.p.: Dar al-Qalam al-Arabi; 1994.
28. Maraghi AM. Tafsir al-Maraghi. Beirut: Dar al-Fikr; 1986.
29. Abu Zahra M. Zahrat al-Tafasir. Beirut: Dar al-Fikr; 1974.
30. Shanqiti MA. Adwa' al-Bayan fi Idah al-Quran bi al-Quran. Beirut: Dar al-Fikr; 1994.
31. Majlisi MB. Bihar al-Anwar al-Jami'ah li Durar Akhbar al-A'imma al-Athar. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi; 1983.
32. Kulayni MB. Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah; 1988.
33. Ibn Shu'bah Harani H. Tuhaf al-Uqul. Qom: Jamiah Mudarrisin; 1984.
34. Ganabadi SM. Bayan al-Sa'adah fi Maqamat al-'Ibadah. Beirut: Mu'assasah al-Alami li al-Matbu'at; 1988.
35. Laythi Wasiti AM. 'Uyun al-Hikam wa al-Mawa'izh. Qom: Dar al-Hadith; 1997.
36. Delshad Tehran M. Sirah Nabawi "Manteq Amali": Sirah Fardi. Tehran: Darya; 2015.
37. Hussein Shah-Abdulazimi H. Tafsir Ebn A'tham. Tehran: Intisharat Miqat; 1984.
38. Hussein Hamedani SM. Anwar Darakhshan. Tehran: Kitabforoushi Lotfi; 1985.
39. Tamimi A. Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalam. Ed. Rajaei SM. Qom: Dar al-Ketab al-Islami; 1995.
40. Besharati MB. Tose'e Eqtesadi Iran. Tabriz: Daneshgah Tabriz; 2003.
41. Musavi Isfahani J. Payamha-ye Eqtesadi-ye Quran. Tehran: Daftar Nashr Farhang-e Eslami; 1989.
42. Sharif Lahiji MA. Tafsir Sharif Lahiji. Tehran: Daftar Nashr Dad; 1994.
43. Zamakhshari M. Al-Kashaf 'an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil. Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi; 1986.
44. Qutb IA. Fi Zilal al-Quran. Beirut: Dar al-Shorouk; 1999.
45. Gazr HJ. Jala' al-Adhan wa Jala' al-Ahzan. Ed. Jalal al-Din M. Tehran: Nashr Daneshgah Tehran; n.d.
46. Baqai IO. Al-Nizam al-Durar fi Tanasub al-Ayat wa al-Sur. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah; 1998.